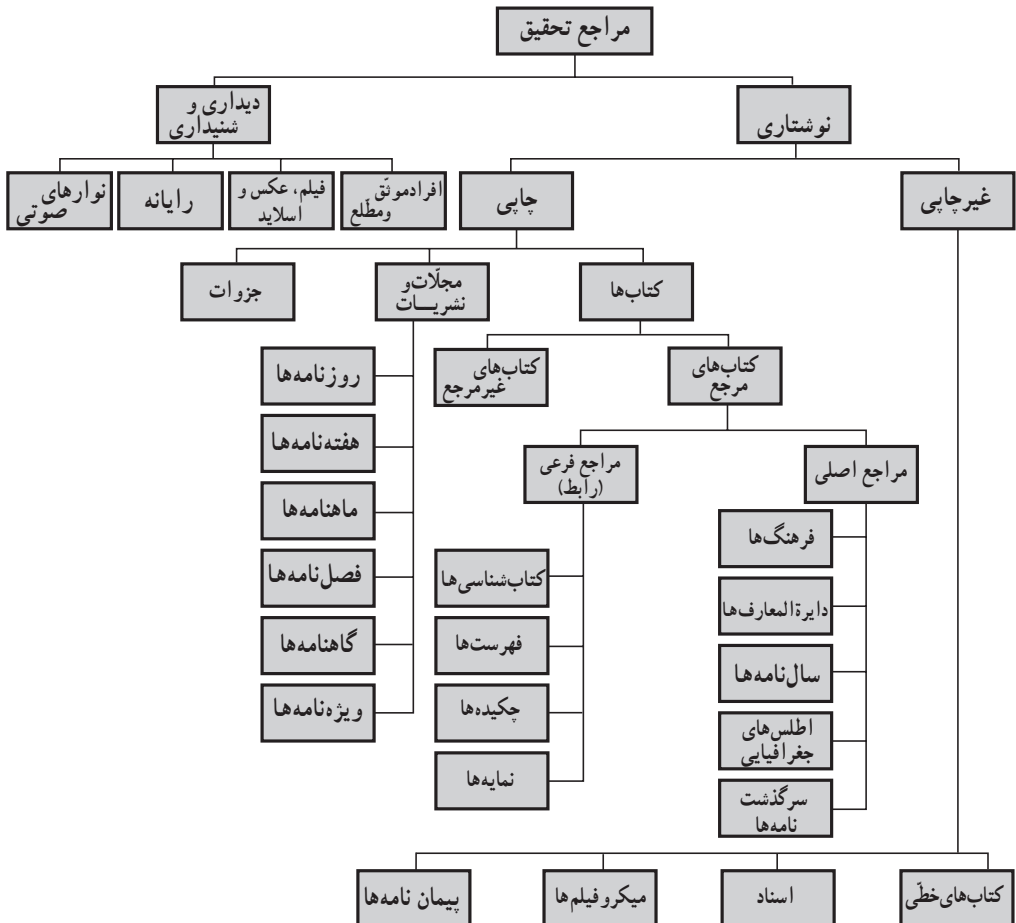


مرجع شناسی

به نمودار مرجع شناسی توجه کنید :



در سال گذشته، با بخشی از کتاب‌های مرجع اصلی چون فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها آشنا شدید. اکنون شما را با برخی دیگر از مراجع تحقیق آشنا می‌کنیم.

□ دایرةالمعارف‌ها

به مجموعه‌ای که شامل همه‌ی رشته‌های دانش انسانی یا رشته‌ای معین باشد، دایرةالمعارف می‌گویند. دایرةالمعارف از منابع اصلی تحقیق به شمار می‌آید. آثاری چون احصاء العلوم فارابی و الفهرست ابن ندیم که نوعی دایرةالمعارف چند دانشی هستند، قرن‌ها پیش نوشته شده‌اند.

تألیف دایرةالمعارف به شیوه‌ی نوین آن، ابتدا در قرن هفدهم در اروپا رواج یافت. این کار در ایران از پنجاه سال پیش با ترجمه‌ی دایرةالمعارف اسلام به کمک گروهی از دانشمندان آغاز شد. دایرةالمعارف‌های مهم فارسی عبارت‌اند از:

۱) دایرةالمعارف فارسی: این اثر به سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب و با

همکاری ۴۳ تن از

نویسندگان، در سه

مجلد به چاپ رسید. از

ویژگی‌های

دایرةالمعارف فارسی،

دقت، ابتکار، نوجویی

و انتخاب واژگان

فارسی است.

گسترش خصوصیات یک فرهنگ را، از طریق تعاریف، تقسیم‌بندی غیر مستقیم، میان‌گروهی‌های معنایی، انتشار آن‌ها می‌نامند. سرزمینی که در داخل آن بتواند یکی از خصوصیات یک فرهنگ را یافت بهمنه‌ی فرهنگی خوانده می‌شود.

در مردم‌شناسی، برای توجیه طرز عمل دینی، فرهنگی و گسترش و تکامل خصوصیات آنها، مکتب‌های کوفت‌گویی پیدا شده است. ولی، همه‌ی مردم‌شناسان، به یک تسلسل تکاملی وسیع در تاریخ فرهنگی بشر، خاصه در زمینه‌های فنی و اقتصادی، اعتقاد دارند. این مراحل تکامل، در همه جا هم‌زمان صورت نگرفته است، و همه‌ی فرهنگ‌ها هم همه‌ی این مراحل را طی نکرده‌اند، بلکه گاه، از طریق هم‌فرهنگی، جهشی از یک یا چند مرحله صورت می‌گیرد. مرحله‌ی نخستین مرحله‌ی خوراکی‌جویی است، که در آن دسته‌های کوچک مهاجرت مانند شکارچیان و ماهیگیران و میوه‌چیان، برای یافتن خوراک از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر کوچ می‌کنند، و در غارها یا پناهگاه‌های موقت سکنی می‌گزینند، چنانکه در عصر حجر قدیم و حجر متوسط چنین بوده است. مرحله‌ی بعدی مرحله‌ی خوراک‌سازی است، که در آن انسان اهلی کردن جانوران و گیاهان را آموخته و در آبادی‌های کوچک مسکن می‌کرده است؛ نمونه‌ای از آن فرهنگ عصر حجر جدید است، پس از این مرحله، نویت شهرنشینی رخ داده است. بدان گونه که در تمدنهای بزرگ تاریخی از آن مشهود است. در طبقه‌بندی یک فرهنگ معاصر بر حسب مرحله‌ای که در آن است تنها نباید سطح فنی و صنعتی آن را در نظر گرفت. مثلاً، خوراک‌جویان امروزی، مانند بومیان اصلی استرالیا، را نباید به شکارچیان ۲۵۰۰۰ سال قبل در عصر حجر قدیم یکسان شمرد. زیرا، مثلاً، نظام خویشاوندی و دین در عصر حجر قدیم به احتمال قوی به صورت دیگری بوده است.

فرهنگ (farhang)، در مردم‌شناسی، راه و رسم زندگی یک جامعه. استعمال علمی کلمه‌ی انگلیسی محال "فرهنگ" در اواخر قرن ۱۹ م به توسط سر ا. ب. کاپلر برقرار شد. مفهوم فرهنگ چندین سوختن بوده است که آن را نوسه داده در سایر علوم اجتماعی و در ادبیات و در علوم تربیتی نیز به کار می‌رند. از آغاز پیدایش نوع بشر، فرهنگ مایه‌ی تمایز انسان از گروه‌های حیوانی بوده است. آداب و عادات و اندیشه‌ها و اوضاعی که گروهی در آن شرکت دارند از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند، و این انتقال، بیش از آنکه از راه وراثت باشد، از راه آموختن است. پیروی از این آداب و عادات با نظام پاداش و کیفر مخصوص به هر فرهنگ انتظام پیدا می‌کند. زبان و وسیله‌های نمادی دیگر عوامل اصلی انتقال فرهنگ‌اند. ولی بسیاری از رفتارها تنها از طریق تجربه حاصل می‌شود. هر جامعه برای خود الگوی خاصی از "کیفیات فرهنگی" دارد، که سازمان‌های ضروری بشری، مانند سازمان اجتماعی، دین، -احتمالاً سیاسی، سازمان اقتصادی، و فرهنگ مادی (آزارها، سلاح‌ها، اشیاء) را شامل می‌شود. درجه‌ی پیچیدگی سازمان فرهنگی وسیله‌ای برای تشخیص دادن جامعه‌های "متنوع" از جامعه‌های "ایستایی" است، ولی در این دو اصطلاح همیشه جنبه‌ی تمییز را باید در نظر داشت. اساساً، هر گروه انسانی فرهنگ مشخصی خود را دارد. ولی جامعه‌ی مغفول و پیچیده ممکن است فرهنگ‌های فرعی نیز داشته باشد، که از منشا ملی و دین و اوضاع اجتماعی حاصل می‌شود. بر عکس، از طریق تعاملات ملج آمیز یا فیزیکی فرهنگی، ممکن است یک فرهنگ مشترک مورد قبول چند جامعه‌ی مختلف قرار گیرد. این عمل متضمن هم‌فرهنگی است، و آن فرایندی است که به وسیله‌ی آن اعضای یک گروه آداب و عادات گروه دیگر را می‌پذیرند.

۲) دانش‌نامه‌ی ایران و اسلام: در سال ۱۳۴۸ با همت احسان یار شاطر ترجمه‌ی دایرةالمعارف اسلام آغاز شد و بخشی از مقالات حرف «الف» آن نیز به چاپ رسید. هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی، این کار متوقف شد. پس از انقلاب، کار تدوین این دانش‌نامه به زبان انگلیسی در دانشگاه کلمبیای امریکا (نیویورک) دنبال شد و هم‌چنان ادامه دارد.

فرمانروای بلخ بود و از تخت و تاج دست‌کشید تا زندگی زاهدانه بپوشید. چنین نظریه‌ی سیرسده که این پندار هیچگونه مبنای تاریخی نداشته باشد. نخستین مآخذی که به او مقام شهریار می‌دهد شلمی (سنوی) ۱۱۳/۲۰۱ است و اما افسانه بودن روایت او از اینجا به‌پوی آشکار می‌شود که شامل شرحی درباره‌ی برخورد ابراهیم ادهم با خضر یخسبر جلودانی است؛ ولی از زمان سلمی به‌بعد این افسانه در شرحهای مربوط به زندگی ابراهیم سخت ریشه گرفته است. این حکایات عموماً تغییر عقاید یا توبه او را با کناره‌گیری (ارباب‌نیت) ارتباط می‌دهند. شرح این وقایع را می‌توان تحت قریب به ده مضمون طبقه‌بندی کرد: مثلاً «تکبارگدایی را در سایه‌ی قصر نشسته دیده و پس از اندیشیدن در باور رضای معنی او، توبه کرد؛ و یا خضر در هیئت یک قهرور او را از تاپاداری جهان برحذر داشت. معروفترین این مضامین مثلاً قدیمترین آنهاست و دو کتابی (۱.۸) یافت می‌شود و (دو ترجمه‌ی آذربای) بدین مضمون است و... برای شکار ابراهیم در یک جماعت عرب مقیم بلخ در حدود ۱۱۳/۲۰۱ یا شاید زودتر متولد شد و در زمانی پیش از ۱۱۳/۲۰۱ از خراسان به شام مهاجرت کرد. در یقینه مدت حیات خود قائدانهای بسبب دیوان تشنه‌ی غالباً در آن ناحیه که از شمال تا رود سیحان و از جنوب تا نهره استداد داشت میزیست. در یوزگی را قاروا میسرود و برای معیشت انکا به بازاری خوشی داشت و مثلاً دروگری و خوشه‌چینی با خرسکویی یا باغبانی میکرد. علاوه بر این کارها، گویا در عملیات نظامی در سرحد شام برقه دولت ییزانس نیز شرکت داشت. قلعه‌های مرزی ثمور (در شمال شام، در ترکیه کنونی) گزارش در حکایات ذکر شده است. میگویند که او در دو لیکرکنی زمینی و دولیکرکنی دریائی برقه ییزانس شرکت کرد و در لیکرکنی دوم دریائی بسبب بیماری شکم، درگذشت (ابونعیم، هفتم، ۳۸۸). چگونگی مرگ او با شرح مبسوطی که ابن عساکر (۱۹۹) درباره‌ی آن آورده است تأیید میشود. بنابر روایتی، ابراهیم در یک جزیره ییزانسی نزدیک قلعه‌ای بنام سوفین یا سوفن مدفون گردید. بنا بر روایتی دیگر وفات او در مصر روی داد. در روایات کم اعتباری گوناگون دیگر مقبره او در صور، در بغداد، در دمشق، در شهر لوطه (= کفر تریکه)، در غار ارمیه در نزدیکی اورشلیم و بالاخره، بر طبق روایتی که اغلب ذکر میشود، در بنجته واقع در ساحل شام ذکر شده است (خروری، [۲۹] ۲۳، ۲۹).

ابراهیم بن ادهم بن منصور بن یزید بن جابر (ابو اسحق) عیسی، یکی از مشاهیر صوفیان در قرن دوم/هشتم. وی در بلخ، در خراسان، در یک خانواده کونی از طایفه تکمین وایل زاده شد. تاریخ مرگ او در معتبرترین مآخذ ۱۱۳/۲۰۱ ذکر شده است.

ابراهیم بن ادهم در افسانه‌های متأخرتر بخصوص به زهد و ریاضت شهرت یافته است. تیکلسن او را «اصولاً یک زاهد و موقی وارسته و در عین حال متوجه زندگی توصیف کرده است که از حد فاصل میان زهد و تصوف گام فراتر نهاده بود. ابراهیم بسبب سخاوت خود - که در داستانهای بیشمار درباره‌ی نیکبختی و بددانشانی نقل شده و همچنین به‌علت کثرت نفسی که بازتذکی ضاهراً پرتجمل دوران شباب او بی اندازه منابرت داشت، به‌خصوص ذهن صوفیان سلفهای پسری را به‌خود جلب کرد.

از روی مآخذ قدیمتر عربی بویژه ابونعیم اصفهانی و ابن عساکر می‌توان خطوط برجسته زندگی او را ترسیم کرد: ابراهیم در یک جماعت عرب مقیم بلخ در حدود ۱۱۳/۲۰۱ یا شاید زودتر متولد شد و در زمانی پیش از ۱۱۳/۲۰۱ از خراسان به شام مهاجرت کرد. در یقینه مدت حیات خود قائدانهای بسبب دیوان تشنه‌ی غالباً در آن ناحیه که از شمال تا رود سیحان و از جنوب تا نهره استداد داشت میزیست. در یوزگی را قاروا میسرود و برای معیشت انکا به بازاری خوشی داشت و مثلاً دروگری و خوشه‌چینی با خرسکویی یا باغبانی میکرد. علاوه بر این کارها، گویا در عملیات نظامی در سرحد شام برقه دولت ییزانس نیز شرکت داشت. قلعه‌های مرزی ثمور (در شمال شام، در ترکیه کنونی) گزارش در حکایات ذکر شده است. میگویند که او در دو لیکرکنی زمینی و دولیکرکنی دریائی برقه ییزانس شرکت کرد و در لیکرکنی دوم دریائی بسبب بیماری شکم، درگذشت (ابونعیم، هفتم، ۳۸۸). چگونگی مرگ او با شرح مبسوطی که ابن عساکر (۱۹۹) درباره‌ی آن آورده است تأیید میشود. بنابر روایتی، ابراهیم در یک جزیره ییزانسی نزدیک قلعه‌ای بنام سوفین یا سوفن مدفون گردید. بنا بر روایتی دیگر وفات او در مصر روی داد. در روایات کم اعتباری گوناگون دیگر مقبره او در صور، در بغداد، در دمشق، در شهر لوطه (= کفر تریکه)، در غار ارمیه در نزدیکی اورشلیم و بالاخره، بر طبق روایتی که اغلب ذکر میشود، در بنجته واقع در ساحل شام ذکر شده است (خروری، [۲۹] ۲۳، ۲۹).

در اینجا باید یادآور شد که این فرضیه که تغییر عقاید ابراهیم از سرگذشت بوده اقتباس شده (این فرضیه را نخستین بار کلدنبرگر مطرح کرده است. «عجلة انجمن سلطنتی آسیائی»، ۱۹۰۴، ۱۱۳-۱۱۴) چند باوجود تردید فراوان (مثلاً «ماسینیون»، «تحقیق در مبادی...»، پاریس، ۱۹۰۲، ۲۰۱. قس. زینر، تصوف هندو و مسلمانان، لندن، ۱۹۰۲، ۲۰۱) و شاید دیگر نباید پذیرفته شود. مهاجرت ابراهیم از بلخ به شام کتاباً معزز است و افسانه‌های گوناگون متعدد درباره‌ی تغییر عقاید او انگیزه او را به این مهاجرت توجیه میکند. ولی یکه اشاره اجمالی در ابن عساکر (۱۹۸) احتمال جالب دیگری را برای مهاجرت ابراهیم بیان می‌کند. ابن عساکر روایت میکند که «ابراهیم بن ادهم که از ابوسلمه بگریخت به اتفاق جهضم خراسان را ترک گفت و به به ثمور رفت تا در آنجا زیست کند...» (بخاری (چهارم/۱)، ۲۳) در تأیید این روایت میگویند که جهضم (بن عبدالله التیمی) در همین زمان بلخ را ترک گفت و هیچگونه تناقضی از نظر زمانی میان قیام ابوسلمه * (۷۴۷/۲۰۱) و الحاحانی که از

۳) دانش‌نامه‌ی جهان اسلام: در سال ۱۳۶۲ به دعوت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (رئیس‌جمهور وقت) گروهی از دانشمندان و نویسندگان در بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی گردآمدند و کار تدوین این دانش‌نامه را از حرف «ب» آغاز کردند.

بدیهه، گفتن سخن یا شعری بدون تفکر و آمادگی قبلی. واژه ارتحال نیز به معنی «به بدیهه شعر یا سخن گفتن و بدیهه سرایه است. بدیهه از ریشه ابتدأ (آغاز کردن) است که در آن «بدیه» جایگزین «مصرعه» شده است و ارتحال به معنای آسان بود و به سبب آسانی جاری بودن است که از اصطلاح و شعر (زجل) (موی فرو افتاده) یا «ارتحال اشرف» (فرو رفتن به جاه سا پای خود و بدون استفاده از طناب) مستفاد شده است. در تفاوت ارتحال و بدیهه، گفته‌اند که در ارتحال شاعر شعر خود را از قلیل آماده نمی‌کند، ولی در بدیهه چند لحظه به تفکر می‌پردازد. از دیگر مترادفات ارتحال که در فرهنگها آمده فقط واژه انفصاف به کار می‌رود (د.اسلام) ذیل «ارتحال». مخالف ارتحال و بدیهه: رویت و فکرته (اندیشه) است.

در میان عربها از دوران پیش از اسلام بدیهه سرایی مرسوم و پسندیده بوده است. در میان ایرانیان نیز بدیهه سرایی نشانه طبع و فرجه شاعری و نسو در آن بوده است. شعرخوانی از روزگار قدیم در آیینهای رسمی، جشنهای خصوصی مانند جشن عروسی و دو عصر حدیث حشهای مالیه مداحان و نیز مجلس ترحیب رواج داشته است. برای این مواقع اشعار مناسب تعریف می‌کرده یا می‌مجلس می‌سودده‌اند و نیز قطعاتی از اشعار قدما را می‌خوانده‌اند. و همین رسم سبب افزایش حجم دیوان بسیاری از شاعران شده است (پراونیکا، ذیل «بدیهه سرایی»).

به گفته مقامی عروسی (ص ۵۷) بدیهه، رکن اعلای هنر شاعری است و شعرا به واسطه بدیهه گویی پادشاهای بسیار یافته‌اند. نظامی حکایات زیادی درباره بدیهه سرایی نقل کرده که مشهورترین و قندیسترین آنها درباره بدیهه گویی رودکی است که چون اقامت امیرنصیر سامانی در هرات طولانی شده اطرافیان امیرنصر که آرزومند بارگشت به دیار بودند از رودکی خواستند که با سرودن شعری امیر را به بازگشت به بخارا ترغیب کند، و رودکی نیز شعر دوی جوی مولیان را سرود و امیر چون شنید، چنان حاشی دگرگون شد که بدون کفش پای در رکاب آورد و دوی به بخارا نهاد. ازینو نظامی گوید آن اقبالی که رودکی در آن

سازان دید از بدیهه سرایی بود (ص ۵۲-۵۳). از دیگر حکایات نظامی حکایت بدیهه سرایی عصری است که چون سلطان محمود در حالت منی فرمان داد تا ایاز گیسوی خود را برود. روز بعد پشیمان و بدحال شد. سرانجام عصری با سرودن یک رباعی به بدیهه، خاطر او را خوش ساخت (ص ۵۵-۵۶). همچنین نظامی چند رباعی از بدیهیات معری، ازوقی و رشیدی نقل کرده (ص ۶۸-۷۰، ۷۱-۷۲) سپس درباره بدیهه سرایی خود حکایتی آورده که به فیضی آن، در فرضی گونا، یعنی میان دو بار گردش سافر در خدمت ملک حیان، پنج بیت «مفروق» به اتفاق عذ و مشحون به مانی بکره سروده است (ص ۸۵-۸۶).

جامی (ص ۸۶) نیز در باب بدیهه گویی فردوسی حکایتی نقل کرده است که در مجلس سلطان محمود عصری و فرخی و عسجدی برای تحقیر فردوسی که از شاعران درباری نبود است، به اتفاق سه مصراع می‌گویند که رابع نداشتند، فردوسی به محض شنیدن آن سه مصراع، مصراع چهارم را بر بدیهه می‌سازد و آنان از طبع او تعجب می‌کنند.

درباره قاضی نیز گفته‌اند که سامند عیدی، دیر هنگام، از غریب برخاست و از آنجا که شعری برای تهنیت عید سروده بود، به عجله کاغذی برداشت تا در میانه راه فسیده‌ای برپاید و چون مجال نوشتن نیافت آنرا به خاطر سپرد و در مجلس شاه خواند (حمیدی شیرازی، ص ۱۱۲).

در میان شاعران بدیهه‌سرا در قرن اخیر می‌توان از ملک الشعرای، هار، لطفعلی صورتگر، محمد حسین شهریار، و اراهیه مهنا نام برد.

منابع: عیدر حنری احمد، بهارستان، چاپ است: تهران ۱۳۴۸ ش؛ مهدی حبیدی شیرازی، شعر در عصر قاجار، تهران ۱۳۶۴ ش؛ «در مصرطی، چهار مقاله، چاپ محمد معین، تهران ۱۳۶۲ ش؛

Et. av. "Iridjki" (by S. A. Ronchakker): *Encyclopaedia Iranica*, sv. "Badiha" (by F. R. C. Hagley).

/ اسماعیل حاکمی /

برخی از فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌های تخصصی مربوط به ادبیات و علوم انسانی عبارت‌اند از :

* فرهنگ معارف اسلامی، دکتر سیدجعفر سجّادی، شرکت مؤلفان و مترجمان

* دایرةالمعارف ادبی، عبدالحسین سعیدیان، تهران ۱۳۵۲.

* فرهنگ سخنوران، عبدالرّسول خیّام‌پور، تبریز، ۱۳۴۰.

□ اطلس‌ها

مجموعه‌ای از نقشه‌ها، جدول‌ها و نمودارهایی که به طور منظم فراهم آمده و بیان‌کننده موضوع خاصی هستند، اطلس نامیده می‌شوند. اطلس‌ها به ما کمک می‌کنند تا موقعیت جغرافیای گذشته یا کنونی هر مکان را روی نقشه‌ها پیدا کنیم.



مشهورترین اطلس‌های موجود عبارت‌اند از :

- ۱) اطلس تاریخی اسلام، تألیف هری. و. هازارد^۱، ترجمه‌ی محمود عرفان (از روی چاپ سوم آن که در سال ۱۹۵۳ به وسیله‌ی دانشگاه پرینستون انتشار یافته است).
- ۲) اطلس تاریخی ایران، تألیف چهارده تن از استادان تاریخ و زبان و ادبیات، سال ۱۳۵۰ (به دو زبان انگلیسی و فارسی)، مؤسسه‌ی جغرافیایی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
- ۳) اطلس معاصر گیتاشناسی، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۰.

۴) اطلس اقلیمی ایران، مؤسسه‌ی جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.

□ زندگی‌نامه‌ها

زندگی‌نامه، شرح تاریخ زندگی یا دوره‌ای از زندگی افراد در حدود اطلاعاتی است که نویسنده‌ی زندگی‌نامه از احوال آن‌ها داشته است. در سال‌های پیش با حسب حال و زندگی‌نامه آشنا شدید. برخی زندگی‌نامه‌ها عمومی و برخی خاصّ فرد یا افرادی هستند. زمان، مکان و سطح زندگی‌نامه‌ها نیز متفاوت است. برخی از زندگی‌نامه‌های خاصّ ادبیات و علوم انسانی عبارت‌اند از :

- ۱) ریحانة الادب، محمدعلی مدرّسی تبریزی (۶ جلد)، تبریز
- ۲) نامه‌ی دانشوران، جمعی از نویسندگان، زندگی‌نامه‌ی علما، دانشمندان، محدّثان و ...

۳) مجمع الفصحا، رضا قلی‌خان هدایت، شرح حال هفتصدتن از شاعران، به تصحیح دکتر مظاهر مصفاً

۴) تاریخ رجال ایران، مهدی بامداد، شرح حال رجال سیاسی ایران در قرن ۱۲ تا ۱۴ هجری قمری^۲

۱- Harry. W. hazard

۲) علاوه بر کتاب‌های معرّفی شده، زندگی‌نامه‌های زیر نیز از اهمّیت به سزایی برخوردارند :

□ حیات مردان نامی، پلوتارک، ترجمه‌ی رضا مشایخی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۲
←

□ منابع فرعی

منابع فرعی یا رابط منابعی هستند که خود به طور مستقیم در تحقیق به کار نمی آیند بلکه به وسیله ی آن ها می توانیم به منابع معتبر و موضوعات مورد نظر دسترسی پیدا کنیم. فهرست ها، کتاب شناسی ها و چکیده ها از این دسته اند. مهم ترین منابع فرعی موجود عبارت اند از:

□ فهرست کتاب های چاپی، تألیف خان بابامشار، شامل فهرست الفبایی کتاب های

منتشر شده تا سال ۱۳۴۵

□ نمایه: نرم افزاری است که موسسه ی فرهنگی و اطلاع رسانی «نمایه» با نظارت

کتابخانه های عمومی کشور، تولید کرده است. بزرگ ترین بانک مطالب نشریات کشور را در اختیار دارد و دستیابی زود و آسان به اطلاعات مقاله شناختی ده ها هزار مقاله، نقد و گفت و گو را با انواع جست و جوهای پیشرفته فراهم می کند.

مهم ترین قابلیت این نرم افزار، دسترسی به متن همی این مقالات است. در تمام کتابخانه های عمومی و بسیاری از مراکز علمی، فرهنگی و دانشگاهی، شما می توانید از این نرم افزار، استفاده کنید.



□ فهرست مقالات فارسی، به کوشش ایرج افشار

که تاکنون پنج جلد آن چاپ شده است. این مجموعه، مقالات چاپی مطبوعات کشور را از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۰ شامل می شود. شیوه ی تنظیم آن موضوعی است.

□ فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات

ایران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که از سال ۱۳۶۱ تاکنون تمامی مقالات مطبوعات را فهرست کرده است.

→

□ بزرگان فلسفه، توماس هنری، ترجمه ی فریدون بدره ای، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸

□ فرهنگ زندگی نامه ها، به سرپرستی حسن انوشه، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۹

□ زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران (پنج جلد) (۱۳۲۰-۱۲۹۸)، حسن مرسلوند، نشر الهام، ۱۳۷۴

□ شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، زوآر، چاپ دوم، ۱۳۷۰

□ فهرست نسخه‌های خطی، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، کتابخانه‌ی ملی ملک، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، کتابخانه‌ی آیت‌... مرعشی نجفی، کتابخانه‌ی ملی، کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران و ... که بالغ بر یکصد مجلد آن‌ها تاکنون چاپ شده است. این مجموعه، فهرست تفصیلی نسخه‌های خطی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. علاوه بر کتاب‌شناسی‌های عمومی، کتاب‌شناسی‌های خاص نیز وجود دارند که تنها به یک موضوع می‌پردازند؛ مثل:

- (۱) کتاب‌شناسی تمدن ایران ۳۰ جلد، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱
- (۲) کتاب‌شناسی حقوق، حمید مقدم، تبریز، ۱۳۷۲
- (۳) کتاب‌شناسی فردوسی، ایرج افشار.
- (۴) کتاب‌شناسی شعر نو، میمنت میرصادقی.

□ منابع دیداری و شنیداری

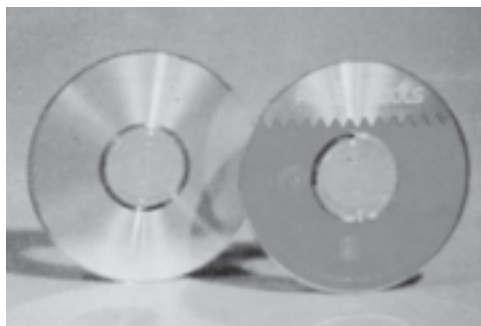
با پیشرفت صنعت و فن‌آوری و گسترش فنون ارتباطات، اکنون رسانه‌های دیداری و شنیداری مثل نوارهای صوتی، لوح‌های فشرده (دیسکت)، نوارهای فیلم، عکس، اسلاید، میکروفیلم^۱ و رایانه به کمک محققان آمده‌اند تا سرعت و دقت پژوهش‌ها را افزایش دهند.



در سال‌های اخیر، آنچه بیش از همه بر روند تحقیقات تأثیر گذاشته، منابع رایانه‌ای است. تا آن‌جا که این منابع، در زمره‌ی منابع مهم تحقیق درآمده‌اند. این وسیله می‌تواند تمامی اطلاعات مربوط به کلیه‌ی منابع تحقیق از جمله فهرست‌ها، کتاب‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها و ... را بر روی لوح

(۱) کتابخانه‌های معتبر برای حفاظت از اسناد مهم چاپی و خطی، از آن‌ها عکس‌برداری می‌کنند و فیلم آن‌ها را در اندازه‌های کوچک در اختیار محققان قرار می‌دهند.

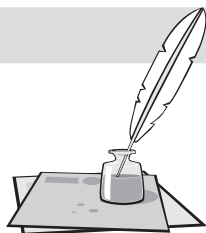
فشرده (دیسکت) ضبط کند و آن‌ها را در کم‌ترین حجم و کوتاه‌ترین زمان، هر موقع که بخواهیم در اختیار ما بگذارد. یکی از جدیدترین روش‌های ذخیره‌سازی داده‌ها، ذخیره‌سازی نوری است.



لوح فشرده‌ی نوری با ظرفیت گسترده‌ی ذخیره‌سازی خود قادر است صدها هزار صفحه اطلاعات را فقط بر روی یک صفحه‌ی کوچک ضبط کند؛ برای مثال، اکنون تمامی لغت‌نامه‌ی دهخدا روی یک لوح فشرده ضبط شده است. رایانه‌ها، علاوه بر تصویر، صدا را نیز ذخیره و بازیابی می‌کنند؛ برای مثال، یک لوح فشرده که حاوی اطلاعات جامعی درباره‌ی جغرافیای سیاسی و طبیعی و انسانی است، می‌تواند هنگامی که پرچم یک کشور را نشان می‌دهد، سرود ملی یا موسیقی خاص آن کشور را نیز پخش کند.

امروزه شبکه‌ی وسیع اینترنت، مراکز اطلاعاتی سراسر دنیا را از طریق رایانه‌های شخصی به هم وصل کرده است و شما می‌توانید با در اختیار داشتن یک دستگاه رایانه‌ی شخصی، با همه‌ی مراکز اطلاعات مهم در سراسر جهان ارتباط برقرار کنید و اطلاعات فراوانی به دست آورید.

در روزگار ما، تمامی کتابخانه‌های دنیا به این سیستم اطلاع‌رسانی مجهز شده‌اند. چنان‌که یک فرد می‌تواند تمامی اطلاعات را درباره‌ی موضوع مورد مطالعه‌ی خود، از طریق رایانه کسب کند. حتی بسیاری از کتابخانه‌های بزرگ و مهم از این طریق به هم وصل شده‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند از امکانات این کتابخانه‌ها در محل خود نیز استفاده کنند.



دو گروه واژه های زیر را با هم مقایسه کنید.

بدر شب پره

بشر شیره

«و» و «ت» در بتر به دلیل نزدیکی به هم برای سهولت تلفظ در

یک دیگر ادغام شده اند. هم چنین است «ب» و «پ» در شیره. به این فرآیند

واجبی «ادغام» می گویند. نمونه ی دیگر:

زودتر زوتر

خودآزمایی

- (۱) از یک مرکز علمی، پژوهشی یا یک کتابخانه بازدید کرده، منابع تحقیق آن را طبق نمودار درس بررسی کنید. آن‌گاه، نتیجه را گزارش دهید.
- (۲) با مراجعه به یکی از منابع معرفی شده، آن را به کلاس بیاورید و بیشتر به هم‌کلاسان خود معرفی کنید.
- (۳) درس «چگونگی تصنیف گلستان» را از نظر دستور تاریخی بررسی کنید.